



تبعات قرار گرفتن نام سپاه در لیست تروریستی

روز پنجشنبه ۲۹ دیماه ۱۴۰۱ (۱۹ ژانویه)، پارلمان اروپا با تصویب قطعنامه ای غیر الزام آور، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و تمامی نیروهای وابسته اش- از جمله بسیج و سپاه قدس- را در فهرست سازمان های تروریستی قرار داد. پارلمان اروپا با تصویب این قطعنامه، از شورا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا خواسته است تا آن ها نیز سپاه پاسداران را در لیست تروریستی خود قرار دهند. نمایندگان پارلمان اروپا همچنین با تصویب این قطعنامه خواهان توقف هرگونه رابطه مالی و اقتصادی با شرکت های سپاه پاسداران یا افراد وابسته به این نهاد نظامی شده اند.

بنیاد مستضعفان و بنیاد شهید و امور جانبازان، از جمله دیگر نهادهایی هستند که نامشان برای تحریم در قطعنامه پارلمان اروپا ذکر شده است. در این قطعنامه همچنین از اتحادیه اروپا خواسته شده که تحریم "اشخاص و نهادهای مسئول در نقض حقوق بشر" را افزایش دهند و برخی مقامات جمهوری اسلامی "از جمله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور، محمد جعفر منتظری، دادستان کل کشور و ۲۲۷ نماینده مجلس را که اعدامها را تشویق کرده بودند"، تحریم کنند. نمایندگان پارلمان اروپا همچنین از جمهوری اسلامی خواسته اند تا با تعیین یک مهلت معین، مجازات اعدام را به کلی از فهرست مجازات های قانونی کشور خارج کند. آن ها همچنین با اشاره به اصل "صلاحیت قضایی جهانی" از اعضای اتحادیه اروپا خواسته اند در مواردی که "ظن معقولی از اقدام جنایتکارانه و مسئولیت مقام‌های ایرانی بر اساس قوانین بین‌المللی" وجود دارد، آنها را محاکمه کنند.

در قطعنامه پارلمان اروپا به رغم اینکه لیست بلند بالایی از نهادهای سرکوبگر جمهوری

در صفحه ۲

**قحطی گاز در کشوری
که بر روی دریایی
از نفت و گاز
قرار گرفته است**

در صفحه ۷

جای خالی اعتصاب و اتحادی فراگیرتر در نفت



به دنبال فراخوان شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت که ۲۱ دی انتشار یافت و در آن از کارکنان رسمی نفت در "تهران، اهواز، عسلویه، ماهشهر، گچساران و همه مناطق نفتخیز و عملیاتی" دعوت به عمل آمده بود روز ۲۷ دی تجمعات اعتراضی برپا کنند، کارکنان رسمی نفت در تعداد زیادی از پالایشگاه‌ها و شرکت‌های نفت و گاز در این روز دست به تجمع زدند. شورای هماهنگی در این

در صفحه ۳

بحران کمبود گاز در ایران

کشنده زمستان گرفتارند، اما با قطعی و افت گاز رویبرو هستند. این اتفاق در کشوری رخ می‌دهد که پس از روسیه دارنده بزرگترین مخازن گاز جهان است.

گزارش‌ها حاکی است که کسری گاز به بیش از ۲۰۰ میلیون مترمکعب در روز رسیده است. بسیاری از شهرهای کشور با قطعی و کاهش فشار گاز مواجه شده‌اند. رژیم سیاسی ورشکسته حاکم بر ایران، از وحشت بروز اعتراضات سراسری، نخست گاز بسیاری از واحدهای

در صفحه ۱۰

سال‌هاست که سران و مقامات نظم پوسیده حاکم بر ایران، وعده حل معضل امکانات و وسایل گرمایشی مردم را به‌ویژه در فصل زمستان می‌دهند، اما نهایتاً بهبودی در این نیاز زندگی مردم رخ نداد، بلکه سال‌به‌سال وضع وخیم‌تر شد و اکنون این سیر قهقرائی به نقطه‌ای رسیده که با فرارسیدن فصل زمستان، در سیمای یک بحران، خود را نشان داده است.

در یک ماهی که از فصل زمستان می‌گذرد، کمبود گاز به یک معضل جدی مردم ایران تبدیل شده است. مردم در چنگال سرمای سخت و

نظامی که در آن جرم روسری از سر برداشتن از بُریدن سر یک زن سنگین‌تر است

نیستم". ننگ و نفرت بر این "غیرت و مردانگی".

مونا وقتی ۱۲ ساله بود او را به عقد قاتل‌اش درآوردند. کودک همسری که در کودکی بچه‌دار شد، در کودکی بارها از سوی شوهرش مورد تجاوز قرار گرفت، بارها از شوهرش کتک خورد تا این‌که به تنگ آمد و از خانه فرار کرد.

سپس او را با حیله برگرداندند و سرش را بُریدند، تا بگویند مرد هستند!! ننگ و نفرت بر این گونه "مرد" بودن که انسان را حتا از به‌کار بردن کلمه "مرد" بیزار می‌کند.

همان زمان یکی از آخوندهای فاسد و کثیف حکومتی به نام احمد رهدار که مدیر یکی از موسسات مفت‌خور به نام "مطالعات اسلامی

در صفحه ۵

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی پس از گذشت نزدیک به یک سال، سجاد حیدرنوا قاتل مونا را به ۷ سال و شش ماه زندان محکوم کرد. حیدر حیدرنوا برادر سجاد حیدرنوا نیز که پاهای مونا را گرفته بود تا قاتل بتواند سر مونا را از تن جدا کند به جرم معاونت در قتل به ۴۵ ماه زندان محکوم شد.

مونا که نام دیگرش غزل بود، تنها ۱۷ سال داشت که سجاد حیدرنوا پسرعمو و شوهرش سر او را بُرید و در میدان کسایی اهواز چرخاند تا بگوید چه مرد باغیرتی است!! مادر قاتل پس از قتل مونا گفته بود: "چپ و راست غیرت و مردانگی او را تحریک می‌کردند و وقتی همسرش به ایران بازگشت سر بریده او را گرداند تا مثلاً به همه بگوید من آدم بی‌غیرتی

تبعات قرار گرفتن نام سپاه در لیست تروریستی

اسلامی همراه با اسامی تعداد زیادی از اشخاص حقیقی و حقوقی جهت تحریم قید شده اند، اما تحریم سپاه پاسداران از جمله محوری ترین خواست این قطعنامه است. از آنجایی که اجرای مصوبات خارجی پارلمان اروپا برای شورای اروپا الزام آور نیست، لذا نمایندگان جهت اجرایی شدن قطعنامه فوق، از شورای اتحادیه اروپا- نهاد اجرایی این اتحادیه- درخواست کرده اند تا تحریم سپاه پاسداران و دیگر موضوعات قید شده در قطعنامه را در دستور کار خود قرار دهند.

با این همه و به رغم اینکه اجرای این قطعنامه الزام آور نیست، اما موضوع تحریم سپاه پاسداران و قرار گرفتن نام آن در لیست گروه های تروریستی اتحادیه اروپا آنچنان برای جمهوری اسلامی گران تمام شده است که یک روز قبل از اینکه طرح تحریم سپاه در دستور کار پارلمان اروپا قرار گیرد، موج سنگینی از تهدیدات امنیتی توسط مسئولان نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی علیه پارلمان اروپا به راه افتاد. این موج تهدیدات، از روزنامه جوان شروع شد و با فاصله زمانی کوتاهی اغلب مسئولان جمهوری اسلامی را به واکنش علیه پارلمان اروپا واداشت. ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی، محمد قالیباف، رئیس مجلس، احمد وحیدی، وزیر کشور، حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، نظام الدین موسوی، سخنگوی هیات رئیسه مجلس ارتجاع اسلامی، اسماعیل کوثری، از فرماندهان سپاه و نماینده فعلی مجلس ارتجاع، حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه حکومتی کیهان و ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از جمله افراد و نهادهایی بودند که نسبت به این اقدام پارلمان اروپا واکنش نشان دادند.

تندترین واکنش ها از طرف روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران، روزنامه حکومتی کیهان وابسته به خامنه ای، اسماعیل کوثری و فرمانده کل سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران بود، که اتحادیه اروپا را به "پاسخ قاطع" و اقدامات "غیر قابل تحمل" تهدید کردند. روزنامه جوان، در شماره روز چهارشنبه ۲۸ دیماه خود نوشت: "اروپا اگر سپاه را تروریستی اعلام کند، اعلان جنگ کرده است". حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان خامنه ای نیز روز چهارشنبه ۲۸ دی، در گفتگو با خبرگزاری فارس گفت، اگر این حرکت اروپا در مرحله نهایی هم به تصویب برسد، "به ایران اجازه می دهد نظامیان کشورهای عضو اتحادیه اروپا را گروه تروریستی دانسته و به عنوان تروریست با آن ها برخورد کند".

بر خلاف همه واکنش های تند و تیزی که این تعداد از نهادها و مقامات جمهوری اسلامی در مورد تبعات گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی اتحادیه اروپا از خود نشان دادند، احمد وحیدی، وزیر کشور جمهوری اسلامی اما این اقدام پارلمان اروپا را بی اهمیت خواند و در گفتگو با خبرگزاری فارس گفت: "هیچ نگرانی نیست و سپاه با قدرت به راه خود ادامه خواهد

داد".

با این همه و به رغم ادعای وزیر کشور جمهوری اسلامی که ظاهراً نگران این اقدام پارلمان اروپا نیست، اما مصوبه پارلمان اروپا، همانند آبی که در خوابگاه مورچگان ریخته باشند، آنچنان جمهوری اسلامی را وحشتزده کرده است که روز یکشنبه دوم بهمن، حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران و امیرعبداللهیان، وزیر خارجه جمهوری اسلامی "برای بررسی پاسخ به اقدام اروپا" به جلسه غیر علنی مجلس رفتند.

آنچه هم اکنون هراس و نگرانی جمهوری اسلامی را برانگیخته است، همانا تبعات سیاسی این اقدام پارلمان اروپا است که به لحاظ سیاسی و اقتصادی دست کم تا همین لحظه نیز شرایط داخلی و بین المللی را برای جمهوری اسلامی بسیار سخت تر از پیش کرده است. شرایطی که با گسترش مبارزات کارگران و توده های مردم ایران در داخل کشور و تأثیر گذاری این مبارزات قهرمانانه بر افکار عمومی جهان، دولت ها را نیز به موضع سخت تری علیه جمهوری اسلامی کشانده است. لذا، بر بستر شرایطی که از هم اکنون پارلمان اروپا فراهم کرده است، دور از انتظار نیست که شورای اتحادیه اروپا هم بخواهد سپاه پاسداران را در فهرست گروه های تروریستی اتحادیه اروپا قرار دهد. اما این اقدام به لحاظ قانونی محتملا در کوتاه مدت و به فوریت صورت نخواهد گرفت.

روال قانونی گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست گروه های تروریستی اینگونه است که در ابتدا دست کم یک کشور عضو اتحادیه اروپا باید تقاضا کند که سپاه در لیست تروریستی این اتحادیه قرار گیرد. پس از آن، این درخواست همراه با اسناد قابل قبول در کمیسیون بررسی این اقدام مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و در نهایت با تأیید تمام اعضای اتحادیه اروپا تبدیل به قانون شده و جنبه اجرایی پیدا خواهد کرد. علاوه بر این، در سیستم حقوقی و قضایی شورای اتحادیه اروپا، ورود به پرونده های تروریستی هر ۶ ماه یک بار صورت می گیرد. از آنجا که رسیدگی به این موضوع تا روز یکشنبه دوم بهمن، در دستور کار نشست روز دوشنبه شورای وزیران اتحادیه اروپا قرار نگرفته است، طبیعتاً رسیدگی برای گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی اتحادیه اروپا دست کم تا چند ماه دیگر صورت نخواهد گرفت. با این همه می توان گفت که قطعنامه پارلمان اروپا از هم اکنون تأثیرات سیاسی و عملی خود را در تشدید فشار بر دولت ایران و شدت بخشیدن به تحریم های

اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی گذاشته است. به طوری که سخنگوی وزارت خارجه آلمان روز جمعه اعلام کرد، انتظار می رود در نشست روز دوشنبه، وزرای اتحادیه اروپا بر سر تحریم تعداد بیشتری از اعضای سپاه پاسداران با هم توافق کنند.

تا همین جای کار هم روشن است که با تصویب قطعنامه غیر الزام آور پارلمان اروپا، فشارهای جهانی علیه جمهوری اسلامی افزایش یافته و اگر اوضاع به همین روال هم پیش برود، شرایط برای گنجاندن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه های تروریستی اتحادیه اروپا و به تبع آن راه اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بیشتر بر جمهوری اسلامی هموارتر خواهد شد. چرا که تصویب قطعنامه پارلمان اروپا و درخواست آنان از شورای اتحادیه اروپا در گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی این اتحادیه، از هم اکنون تنش های میان جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا را به چنان نقطه حادی رسانده است که بازگشت به شرایط گذشته مشکل و تا حدودی غیر ممکن کرده است.

پوشیده نیست، تحریم احتمالی سپاه پاسداران و گنجاندن نام آن در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا صرفاً در تنگنا گذاشتن جمهوری اسلامی به لحاظ سیاسی و نظامی خلاصه نمی شود. این اقدام اتحادیه اروپا از جنبه اقتصادی هم تبعات منفی بسیار بالایی را برای جمهوری اسلامی به همراه دارد. هم اینک درصد بالایی از اقتصاد ایران زیر سیطره سپاه پاسداران و نهادهای متعلق به آن است. روشن است با تروریست معرفی شدن سپاه پاسداران، تمامی شرکت هایی که با این نهاد نظامی و تروریستی قراردادهای اقتصادی، تجاری و بازرگانی دارند، برای اینکه خود این شرکت ها مورد جریمه و تحریم های ثانویه اتحادیه اروپا قرار نگیرند، الزاماً و اجباراً از بستن قرارداد اقتصادی و تجاری با سپاه پاسداران پرهیز خواهند کرد. تردیدی نیست این شرکت ها منتظر تصمیم شورای اتحادیه اروپا نخواهند ماند، بلکه از هم اکنون تحت تأثیر تبعات سیاسی قطعنامه پارلمان اروپا در مسیر فاصله گرفتن از سپاه پاسداران حرکت خواهند کرد. اگرچه در شرایط کنونی، اتحادیه اروپا فاقد یک اراده سیاسی لازم برای گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی خود است، اما اگر اوضاع در روندی که فعلاً جمهوری اسلامی در آن قرار دارد، پیش برود، وقوع چنین اقدامی دور از انتظار نیست. چرا که چشم انداز روند کنونی، نه کاهش تضادها بلکه تشدید تضاد میان

در صفحه ۶

رژیم جمهوری اسلامی را باید

با یک اعتصاب عمومی سیاسی

بر انداخت

و قیام مسلحانه

جای خالی اعتصاب و اتحادی فراگیرتر در نفت

فراخوان با عنوان "بازی به پایان رسید" ضمن اشاره به دروغها و وعده‌های قلبی مقامات وزارت نفت و پشت گوش انداختن اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، عزم خود را برای سازمان‌دهی یک کارزار مبارزاتی نشان داد. در تکمیل این فراخوان روز ۲۴ دی نیز فهرست شهرها و مراکز نفت و گاز و اطلاعات و جزئیات مربوط به ساعت و محل



تجمع در هر واحد را نیز اعلام کرد. در این فهرست علاوه بر شهرهای اعلام‌شده فوق، اسامی چندین شهر و محل دیگر از جمله آبادان، اصفهان، ایلام، اراک، لاون، خارک، لامرد، مشهد، شیراز، بندرعباس نیز دیده می‌شود. این نشان می‌داد که شورای هماهنگی برخلاف فراخوان تجمع ۱۰ دی که از تبلیغ و سازمان‌دهی خوبی برخوردار نبود و استقبالی از آن نشد، این بار همراه با انتشار فراخوان، وارد سازمان‌دهی نیز شده است. روز ۲۷ دی کارکنان رسمی نفت دردها شهر و مرکز نفت و گاز از جمله در اهواز، پالایشگاه آبادان، پالایشگاه دوم پارسین، پالایشگاه پنجم مجتمع گاز پارس جنوبی در عسلویه، پایانه‌های نفتی خارک، ستاد نفت و گاز مشهد، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب منطقه عملیاتی ایلام، شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت فلات قاره، شرکت گاز استان فارس، نفت و گاز پارس، آغاچاری، نفت و گاز دهلران، نفت و گاز پارس عسلویه، نفت و گاز گچساران و چند واحد دیگر تجمعات اعتراضی برپا کردند.

برگزاری تجمع سراسری ۲۷ دی اگرچه در نه در تمام مراکز موردنظر فراخوان اما نسبت به تجمعی که قرار بود ۱۰ دی برگزار شود آشکارا گامی به‌پیش بود و با استقبال نسبتاً خوبی از طرف کارکنان رسمی نفت مواجه شد. بعد از تجمع ۲۶ آذر سال جاری، این دومین تجمع گسترده کارکنان رسمی نفت بود. اگرچه هیچ‌یک از این تجمعات هنوز به سطح تجمعات باشکوه سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ بازنگشته‌اند. شورای هماهنگی در بیانیه پایانی این تجمع با عنوان "دیگر نان را به قیمت جان نمی‌خریم" که همان روز ۲۷ دی منتشر شد، بار دیگر خواهان رسیدگی به مطالبات کارکنان رسمی شد که در ۹ بند به شرح زیر تنظیم‌شده بود.

۱- انجام بی‌چون‌وچرای، ماده ۱۰ قانون اختیارات و وظایف وزارت نفت
۲- بهبود جدول بدو استخدام ماده یادشده به‌نحوی که همه کارکنان با هر شرایطی با توجه به تورم‌های کنونی از آن سود ببرند.

- ۳- پرداخت بک پی دهساله برآمده از دیرکرد در انجام ماده ده طبق قانون
- ۴- اصلاح و بهبود وضعیت نابسامان خدمات درمانی وزارت نفت
- ۵- پرداخت بی‌کموکاست پاداش پایان بازنشستگی همچون گذشته در وزارت نفت
- ۶- رسیدگی درخور و شایسته بازنشستگان صنعت نفت و بهبود زندگی این بخش از بزرگان صنعت نفت
- ۷- تعدیل بهنگام مدرک کارکنان و آسان نمودن چگونگی تعدیل
- ۸- ساماندهی سمت‌های کارکنان
- ۹- رسیدگی به وضعیت نابسامان و نگران‌کننده صندوق بازنشستگی نفت و اصلاح اساسنامه آن و در پایان چنین هشدار داده بود: "ما را به هماوردی نخوانید، چون سخت پشیمان خواهید شد"

هشدارهای شورای هماهنگی خوب است، موضع‌گیری‌ها عالی است اما به‌تثانی کاری از پیش نمی‌برند. این واقعیت ملموس و غیرقابل‌انکاری است که شورای هماهنگی هرچقدر از بازی در بساط مقامات وزارت نفت و توهم نسبت به مسئولین آن بیشتر فاصله گرفته، مضمون بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های آن نیز رادیکال‌تر شده و در همان حال سازمان‌دهی اقدامات مستقل اعتراضی برای دستیابی به خواست‌های کارکنان رسمی نفت نیز پرتنگ‌تر شده است. گرچه وزارت نفت با کل دستگاه دولتی به این‌گونه اقدامات از نمونه تجمع سراسری در ۲۶ آذر ۲۷ دی اعتنای چندانی ننموده و موفقیتی در این حد که وزارت نفت را وادار به عقب‌نشینی کند به‌نحوی که دست‌کم خواست اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت را بپذیرد در برداشته است. کسب موفقیت و وادار کردن دولت به عقب‌نشینی و پذیرش خواست‌ها، مستلزم تلاش‌ها و اقدامات دیگری است که مبارزه در نفت را روی ریل



دیگری قرار دهد. مضمون بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های رادیکال، با اقدامات عملی و مستقل و مؤثر متأسفانه فاصله زیادی دارد. این فاصله در اسرع وقت باید پر شود.

این واقعیت برکسی پوشیده نیست که علاوه بر ۶۰ هزار کارکنان رسمی نفت، چند برابر این تعداد، کارگران رسمی و قراردادی، پیمانی و قرارداد معین در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی مشغول به کار هستند که جملگی به‌شدت ناراضی‌اند و وحشیانه استثمار می‌شوند. این کارگران نیز از سال ۹۹ تاکنون اعتصابات متعددی از جمله چند اعتصاب سراسری را سازمان داده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی برای ایجاد نفاق و چنددستگی در میان کارگران، صنعت نفت را تکه‌تکه نموده و به بخش‌های مجزا و منفک از هم تبدیل ساخته است. ارتجاع حاکم با دامن زدن آگاهانه بر تبعیض میان کارگران و کارمندان از یکسو و میان کارگران رسمی و غیررسمی از سوی دیگر، همچنین با واگذاری بخش‌های گوناگون نفت و گاز و پتروشیمی به بخش

در صفحه ۴



جای خالی اعتصاب و اتحادی فراگیرتر در نفت

خصوصی و شرکت‌های پیمانکاری و تقسیم کارگران به رسمی، قراردادی، پیمانی، قرارداد معین، ارکان ثالث و غیره، هم در برابر اتحاد



کارگران و هم اتحاد کارگران و کارکنان مانع ایجاد نموده و هم در عین حال با تحمیل بدترین شرایط بر نیروی کار شاغل در نفت، حلقه استثمار و بی حقوقی شدید بر گردن نیروی شاغل در نفت را تنگتر نموده است. این شرایط تحمیلی طبقه حاکم را به نفع اتحاد یکپارچه کارکنان نفت بایستی بر هم زد.

کارکنان رسمی صنعت نفت باید از دایره بسته و سکت کارکنان رسمی به درآیند و دست اتحاد بهسوی کارگران اعم از رسمی یا غیررسمی دراز کنند تا در هماهنگی با هم یک حرکت عظیم اعتراضی را در نفت سازمان دهند. نیروی کار شاغل در نفت باید هوشیار باشد و با ترفندهای طبقه حاکم برای ایجاد نفاق و چنددستگی مقابله و آن را خنثی کند. اتحاد کارگران نفت و اتحاد کارگران و کارمندان نفت آن اهرم قوی و نیرومندی در مبارزه کارکنان نفت است که کل ارتجاع و طبقه حاکم به شدت از آن وحشت دارد و برای جلوگیری از این اتحاد به هر وسیله‌ای جنگ می‌زند. نیروهای آگاه شاغل در نفت مجدانه باید با این سیاست مقابله و راه اتحاد تمام کارگران و پرسنل شاغل در نفت را پیدا کنند. نیروهای جوان و آگاه در میان کارکنان صنعت نفت باید لایه محافظه‌کار درون کارکنان به‌ویژه در داخل شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت را کنار بزنند و در این راه تلاش کنند. کافی نیست مدام از اجرای ماده ۱۰

قانون صحبت شود. بسیار خواست‌های دیگری هم هستند که میان کارگران و کارکنان مشترک است و می‌تواند مبنایی برای این اتحاد باشد. افزایش دستمزد، بهبود وضعیت بیمه‌ها و خدمات بهداشتی و درمانی، رسیدگی به وضعیت بازنشستگان، قرارداد دائمی و تضمین شغلی، برچیدن فضای امنیتی-اطلاعاتی از محیط کار، پایان دادن به پرونده‌سازی‌های امنیتی و قضایی، آزادی بیان و حق ایجاد تشکل و اعتصاب، آزادی کارگران زندانی، آزادی معلمان، دانشجویان و جوانان و سایر زندانیان سیاسی، منع اعدام و شکنجه و غیره می‌تواند و بایستی در رأس مطالبات نیروی کار شاغل در نفت باشند. تا جایی که به کارگران پیمانی و قراردادی نفت مربوط می‌شود، بارها از جمع‌ها و مطالبات کارکنان رسمی نفت حمایت کرده، با آن‌ها اعلام همبستگی نموده و از ضرورت اتحاد سخن گفته‌اند. اکنون وقت آن است که کارکنان رسمی نفت افق دید خود را وسیع‌تر کنند، از دایره بسته ماده ۱۰ و مبارزه و مطالبه اخص کارکنان رسمی نفت پا را فراتر نهند و اتحاد در نفت را در اولویت‌های مبارزاتی خود قرار دهند. جای اتحاد در نفت خیلی خالی است. کارگران پیشرو و پرسنل آگاه نفت در پر کردن این جای خالی، نقش و وظیفه مهمی بردوش دارند.

از سوی دیگر تجربه اعتراضات و جمع‌ها محدود و مکرر کارکنان رسمی نفت تاکنون به این کارکنان نشان داده است که این جمع‌ها از طرف مقامات دولتی جدی گرفته نمی‌شود. تجمع موقت در محل کار و در همان حال ادامه کار و پرهیز از خواباندن چرخ تولید، در تقابل با کارفرما و دولت کار آبی لازم را نداشته است. پرسنل رسمی نفت باید از این مرحله عبور کنند و تاکتیک اعتصاب و خواباندن چرخ تولید را در دستور کار خود قرار دهند. ارتجاع حاکم را باید به‌زور وادار کرد حرف کارگران و پرسنل نفت را بشنود و به خواست آنان گردن نهد. جمع‌ها موقت در محل کار نه فقط تأثیر لازم در عقب راندن کارفرما ندارد، بلکه دولت و نیروی سرکوب آن به‌آسانی می‌تواند از برپایی تجمع جلوگیری کند. در همین تجمع سراسری روز ۲۷



دی، نیروهای سرکوب در عسلویه محل تجمع را به اشغال خود درآوردند و با زور و تهدید کسانی را که در حال تجمع بودند به داخل می‌فرستادند. در جاده اصلی روبروی پالایشگاه دوم نیز جلوی کسانی را که قصد ملحق شدن به تجمع داشتند گرفتند و مانع این کار شدند و ۶ نفر را نیز بازداشت کردند و در کل مانع برگزاری تجمع شدند. این نخستین بار نیست که سرکوبگران محل تجمع کارگران و کارکنان نفت را اشغال می‌کنند و مانع برگزاری تجمع می‌شوند. در تجمع بزرگ کارکنان رسمی نفت مورخ ۱۲ شهریور نیز درست به همین شکل عمل کردند و مانع برگزاری تجمع شدند. قیل‌تر از آن نیز باز همین تجربه تکرار شده بود. در تجمع کارکنان رسمی نفت مقابل وزارت نفت مورخ ۴ بهمن سال ۹۹ نیز محل تجمع به اشغال نیروهای سرکوب درآمد و مانع برگزاری تجمع شدند. کارکنان رسمی نفت با توجه به این تجارب باید از این مرحله عبور کنند و تاکتیک اعتصاب و خواباندن چرخ تولید را در دستور کار خود قرار دهند.

نفت در حال حاضر از خلأ اتحاد و اعتصاب به‌شدت در رنج است. آنچه امروز باید در دستور کار هر نیروی آگاه و پیشرو صنعت نفت باشد تلاش برای پر کردن این خلأ است. اتحاد، نیمی از مشکل را برطرف می‌کند پس از آن نوبت اعتصاب است. اعتصابی که کارگران و کارکنان رسمی و غیررسمی را در برگیرد. اگر چنین اتحاد و اعتصابی سازمان یابد، نه فقط وزارت نفت را وادار به عقب نشینی می‌کند، بلکه قادر است همه کارفرمایان و پیمانکاران و کل دستگاه دولتی را به‌زانو درآورد. کارکنان رسمی نفت از بیانه‌های خود خطاب به دولت و وزارت نفت نوشته‌اند "زمانی به خود خواهند آمد که بسیار دیر شده است." اکنون باید امیدوار بود که کارکنان رسمی نفت پیش از آنکه دیگر دیر شده باشد به خود آیند و اتحاد و اعتصاب را سازمان دهند.



نظامی که در آن جرم روسری از سر برداشتن از بُردن سر یک زن سنگین تر است

قضایی و مسئولان آن در جمهوری اسلامی داشت. قاتل رومینا اشرفی دختر ۱۴ ساله نیز که سر او را با داس بریده بود، قاتلی که اسم پدر را بر خود گذاشته بود، در همین دادگاه‌های اسلامی به ۹ سال زندان محکوم شد، چون قاتل خود ولی دم مقتول محسوب می‌شد!! ننگ و نفرت بر این دستگاه قضایی.

اما همین دستگاه قضایی فاسد و جنایت‌پیشه، جوانان، زنان، کارگران، معلمان، دانشجویان، نویسندگان، هنرمندان و دیگر معترضان را به خاطر اعتراض به نادیده گرفتن بدیهی‌ترین حقوق‌شان در این نظم ظالمانه، به سال‌ها زندان و حتا اعدام محکوم می‌کند. جدا از بیش از ۵۰۰ جان‌فشانه اعتراضاتی که با خاکسپاری زینا آغاز شد، و جدا از زندانیانی که در زیر شکنجه جان فشاندند، تاکنون چهار زندانی سیاسی اعتراضات اخیر اعدام شده و حدود ۲۰ زندانی سیاسی دیگر با خطر اعدام روبرو هستند.

جواد روحی یکی از این زندانیان سیاسی است که در اعتراضات توده‌ای در نوشهر دستگیر و دادگاه ضد انقلاب ساری او را به سه بار اعدام محکوم کرده است. حتا "وکیل تسخیری" او گفت که اتهامات مندرج در پرونده جواد روحی واهی است. در روزهای اخیر، بیتا حقانی نسیمی دختر ۲۲ ساله معترض و دانشجوی رشته گرافیک که در اعتراضات توده‌ای در ساری دستگیر شده بود، توسط دادگاه ضد انقلاب ساری به ۱۸ سال زندان محکوم شد و چه بسیارند از این نمونه‌ها.

در بی‌دادگاه‌های جمهوری اسلامی حتا برداشتن روسری از سر و مخالفت با حجاب اجباری جرم‌اش بیش از بردن سر یک زن و در معرض تماشا گذاشتن سر بریده او در ملاءعام است. مژگان کشاورز، صبا کرد افشاری، یاسمن آریانی، منیره عربشاهی تنها چند تن از زنان مخالف حجاب اجباری هستند که هم اکنون در زندان بسر می‌برند. محسن برهانی که به دلیل مخالفت با حکم اعدام از دانشگاه تهران جایی که به عنوان استاد دانشگاه کار می‌کرد اخراج شده است، در توئیتر در این رابطه نوشت: "حبس‌ها را مقایسه فرمایید: بریدن سر در ملاءعام: ۷/۵ سال، چرخاندن روسری: ۱۰ سال، فرستادن فیلم

در صفحه ۶

دولتی می‌دانیم. از آن طرف، این نیز بر همگان روشن است که جمهوری اسلامی در طول عمر ننگین‌اش از ابزار اعدام و زندان برای سرکوب و ارباب توده‌ها بهره جسته است. در رابطه با خشونت علیه زنان نیز باید بر نقش دولت در این موضوع تاکید کرد. در دولت جمهوری اسلامی به‌عنوان یک دولت دینی، قوانین حاکم بر دادگاه‌های اسلامی، قوانین ارتجاعی دوران‌های سپری‌شده‌ی تاریخی هستند، یعنی همان چیزی که در دین به‌غایت ارتجاعی اسلام آمده است. دولت جمهوری اسلامی جدا از این قوانین ارتجاعی، همواره مبلغ فرهنگ مردسالاری، برپایه‌ی تفکرات مذهبی و متعلق به دوران فئودالی و حتا برده‌داری بوده است. هیولاهایی مانند سجاد حیدر نو و حیدر حیدر نو که چنین جنایات وحشیانه‌ای را مرتکب می‌شوند، در واقع خودشان نیز قربانیان مناسبات اجتماعی و فرهنگ ارتجاعی موجود و تبلیغ آن توسط جمهوری اسلامی از جمله در شکل قانون هستند. بعد از قتل مونا، آخوند مرتجع و فاسد منتظری دادستان کل جمهوری اسلامی بدون نام بردن از وی، گفته بود: "از کارهایی که زن می‌کرد این بود که تصاویر خود را از طریق اینستاگرام برای شوهرش می‌فرستاد که این اتفاق رخ داد و این شوهر وقتی دید که زن در دامن اجنبی است حرکت زشت و مشتمزکننده را مرتکب شد و منشأ این جنایت فضای مجازی بود و اگر بخواهم از این مصادیق و آثار فضای مجازی در خانواده‌ها بگویم باید بدانیم که همگی حساب شده است." به طور معمول دادستان‌ها در کل کشورها، وظیفه‌شان دفاع از حقوق مقتول و محکوم کردن قاتل است، اما تنها در جمهوری اسلامی است که دادستان کل آن این‌گونه وقیحانه به خود اجازه می‌دهد تا مونا و شبکه‌های اجتماعی را زمین‌ساز بریدن سر مونا اعلام کند. براستی که نمی‌توان انتظار دیگری از دستگاه

فتوح اندیشه" است، در رابطه با این جنایت فجیع گفته بود: "در این قضیه یک مرد ایرانی مورد ظلم قرار گرفته و از شرایط عادی خارج شده و غیرت ورزیده". ننگ و نفرت بر این تفکر، ننگ و نفرت بر این مذهب.

در پی قتل مونا، غزل زنان عاشق، بی‌باک و آزاده با هزاران آرزوی پاک و زیبا برای زندگی، ما در نشریه کار شماره ۹۵۸ در مقاله‌ای با عنوان "زن ناموس کسی نیست"، نوشته بودیم: "مونا ۱۷ ساله، غزل سوزناکی که قتل داعش‌گونه‌اش در ۱۶ بهمن، در شبیه سیاه اهواز، قلب هر انسانی را به درد آورد، وحشت‌زده، در اوج تنهایی، در اوج ناامیدی، برای زنده ماندن، دست و پا می‌زد، چشم می‌انداخت به امید راه نجاتی، با چشمانی از حدقه درآمده، به امید نجات‌دهنده‌ای، اما هیچ‌کس نبود که این کودک را یاری کند. مونا وحشیانه سر بریده شد و تن بی‌سر او در خیابان ناصرخسرو اهواز رها شد. سجاد هیولایی که خود را مالک مونا می‌پنداشت و مونا را ناموس خود، با سر بریده و غرق در خون مونا کی کوچک سوار ماشین شد تا سر او را در میدان کسایی به نمایش بگذارد، با کاردی بلند و خونین در یک دست و در دست دیگر سر آغشته به خون مونا کی کوچک. هیولا با لبخندی بر لب که گویی از فتحی بزرگ بازگشته است، جنایت فجیع و وحشیانه خود را به نمایش گذاشته بود، جنایتی بزدلانه یعنی کشتن مونا بی‌سلاح و بی‌دفاع، فقط برای این‌که به همگان نشان دهد چه مرد با غیرتی‌ست، و چه حقارت و حماقتی در این غیرت است. مونا کی کوچک رفت با تمام آرزوهای کوچک کودکش، با تمام آرزوهایش برای زندگی. غزل ۱۷ ساله، غزل سوزناک تمام کودکان و زنانی که به جرم ناموس کسی بودن، به قتلی دردناک محکوم شدند".

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی قاتل را همچنین به ۸ ماه زندان "از حیث جنبه عمومی ایراد ضرب و جرح عمدی" محکوم کرد. جدا از این‌که این ۸ ماه هیچ تاثیری در مدت زندان قاتل ندارد، این نکته مهم است که از نظر دستگاه قضایی، مجازات گرداندن سر بریده مونا در خیابان تنها ۸ ماه حبس است. حال همین را مقایسه کنید با احکامی که دستگاه قضایی برای زنان، دانشجویان، نویسندگان، کارگران، معلمان، هنرمندان و دیگر زندانیان سیاسی به بهانه "اخلال در نظم و امنیت عمومی" و مانند آن به حبس‌های طولانی مدت محکوم می‌کند و البته فراموش نکنیم که در این دستگاه قضایی اگر جای مقتول و قاتل عوض می‌شد یعنی اگر مونا قاتل بود و سجاد حیدر نو مقتول، حکم مونا اعدام بود و چه مونا‌هایی که به همین دلیل اعدام شدند.

لازم به تاکید دوباره است که حتا در جنایات هولناکی مانند قتل مونا، ما با صدور و اجرای حکم اعدام مخالف هستیم و اعدام را قتل عمد



تبعات قرار گرفتن نام سپاه در لیست تروریستی

اروپا و جمهوری اسلامی است. بر کسی پوشیده نبوده نیست که سیاست اروپا و غرب در برخورد با جمهوری اسلامی تا پیش از اوج گیری جنبش انقلابی مردم ایران همواره به تاسی از احیای توافق برجام بر اساس مباحثات و تعامل با جمهوری اسلامی استوار بود. اما مبارزات قهرمانانه توده های مردم ایران و حماسه آفرینی زنان ایران در چند ماه گذشته بسیاری از تعاملات جهانی با جمهوری اسلامی را تغییر داد. به حاشیه رفتن توافق برجام نخستین بازتاب مبارزات سلحشورانه توده های مردم ایران در عرصه جهانی بود که تأثیرات خود را بر دولت های مدافع احیای برجام گذاشته است. طی ماه های گذشته هم دولت آمریکا و هم دولت های فرانسه، آلمان و انگلیس به دفعات اعلام کرده اند که موضوع احیای توافق برجام دیگر الویت آنان نیست و در شرایط کنونی سیاست آنان بیشتر روی مبارزات داخل مردم ایران متمرکز است. اما این تمام ماجرا نیست. چرا که تا پیش از این نیز جمهوری اسلامی به شدت مردم ایران را سرکوب و کشتار می کرد، اما این دولت ها به بهانه موضوع هسته ای ایران همواره چشم خود را بر تمام بی رحمی های جمهوری اسلامی می بستند و بی وقفه از در مباحثات با جمهوری اسلامی حرکت می کردند. درست است که اینبار با گسترش مبارزات مردم ایران جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری نزد جهان و جهانیان مقتضح شده است و از این نظر دولت های غربی نیز امید چندانی به ماندگاری جمهوری اسلامی ندارند، اما عامل دیگری هم در این تغییر سیاست غرب تأثیر گذار بوده و آن حمایت جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ با اوکراین است.

حمایت بی چون و چرای جمهوری اسلامی از روسیه در تجاوز این کشور به اوکراین و کمک پهبادی ایران به ارتش روسیه، از جمله عوامل دیگری است که همراه با تأثیر مبارزات سلحشورانه مردم ایران، سبب تشدید تضادهای میان جمهوری اسلامی با آمریکا و اتحادیه اروپا شده است. تشدید تضادهایی که هم اینک گوشه هایی از آن در قطعنامه پارلمان اروپا برای گنجاندن نام سپاه پاسداران در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا تجلی یافته است. قطعنامه ای که به رغم اینکه فعلاً برای شورای اتحادیه اروپا الزام آور نیست، اما تا همین جا نیز به لحاظ سیاسی تبعات سنگینی برای جمهوری اسلامی داشته و لذا به شدت خشم هیئت حاکمه ایران را برانگیخته و چه بسا در صورت عملی شدن، ممکن است به واکنش هایی هم از طرف جمهوری اسلامی علیه منافع اتحادیه اروپا منجر گردد.



نظامی که در آن جرم روسری از سر برداشتن از بُریدن سر یک زن سنگین تر است

کما است و شاید هرگز به زندگی برنگردد. این است عدالت در جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن که در خدمت حفظ این نظم ظالمانه، فاسد، ارتجاعی و پوسیده است. تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شوراییست که می توان شاهد برقراری عدالت در سیستم قضایی بود. حکومت شورایی سیستم قضایی کنونی را منحل و دادگاه های مردمی را ایجاد خواهد کرد. در حکومت شورایی، قضات نیز مانند دیگر مقامات دولتی، انتخابی و قابل عزل خواهند بود. حکومت شورایی همچنین تمامی دستگاه های تقنینی و سانسور، جاسوسی و شکنجه را منحل و تمامی این گونه اقدامات را بدون قید و شرط ممنوع می کند. حکومت شورایی مخالف مجازات اعدام خواهد بود و فوری این مجازات غیرانسانی را ممنوع می کند. در حکومت شورایی تمامی مردم از حق داشتن وکیل از لحظه دستگیری و دادگاه علنی برخوردارند و هیچ مقامی نمی تواند این حق را از آحاد مردم بگیرد. در حکومت شورایی آزادی به کامل ترین شکلی وجود خواهد داشت، آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه، آزادی اجتماعات، آزادی احزاب، آزادی اتحادیه و غیره. در این حکومت هیچ کس نمی تواند آزادی را از دیگران سلب کند و این گونه است که هیچ کس به خاطر ابراز عقایدش، به خاطر اعتراض، به خاطر تشکیل حزب و یا اتحادیه و مانند آن دستگیر و مجازات نمی شود. در واقع در حکومت شورایی نه تنها کسی به این دلایل مجازات نمی شود بلکه حکومت شورایی مشوق گسترش آزادی است، چرا که تنها انسان های آزاد هستند که می توانند آگاهانه از حکومت خود، یعنی حکومت شورایی پاسداری و دفاع کنند.

برای اونوری ها: ۱۰ سال، شرکت در تجمع دانشجویی: ۵ سال، گذاشتن استوری: ۵ سال." رضا شهبایی، حسن سعیدی، کیوان مهتدی، جعفر ابراهیمی، رسول بدافی و محمد حبیبی چند تن دیگر از زندانیان سیاسی هستند که به خاطر فعالیت های خود در راستای دفاع از حقوق کارگران و معلمان به سال ها زندان محکوم شده اند. رضا شهبایی به شش سال زندان محکوم شد، او پیش از این نیز بارها بازداشت و به زندان افتاده بود. رضا شهبایی در سال ۹۰ نیز در بی دادگاهی که ریاست آن را صلواتی برعهده داشت به ۵ سال زندان محکوم شده بود. جمهوری اسلامی اما فقط به شکنجه در دوران بازجویی و صدور احکام زندان برای معترضان بسنده نمی کند، زندانی در تمام دوران زندان با شکنجه های جسمی و روحی روبروست. وضعیت فاجعه بار زندان ها بر کسی پوشیده نیست. در روزهای گذشته نیز گزارش های متعددی از وضعیت زندانیان سیاسی و عادی در زندان های فشافویه، عادل آباد شیراز، اوین و گوردشت منتشر شده است. زندانی سیاسی حسن فیروزی که در اعتراضات اخیر دستگیر شده بود، به دلیل انتشار یک فایل صوتی از وی در شبکه های اجتماعی که در آن از مردم ایران می خواهد کاری کنند تا بتواند یک بار دیگر دختر نوزادش را در آغوش بکشد، به شدت شکنجه می شود و هم اکنون در اثر شکنجه به کما فرو رفته است. حنانه دختر حسن به هنگام بازداشت وی تنها ۱۸ روز بود که به دنیا آمده بود. محمد اختیاریان یکی دیگر از زندانیان سیاسی بازداشت شده در اعتراضات اخیر است که در اثر شلیک گلوله زخمی شد اما به دلیل عدم رسیدگی پزشکی و گسترش عفونت امروز در





قحطی گاز در کشوری که بر روی دریایی از نفت و گاز قرار گرفته است

مردم زحمتکش و ستمدیده ایران !

ادامه حیات ننگین رژیم اسلام‌گرای پاسدار نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران، هر روزش فاجعه جدید و دیگری برای ما مردم ایران است.

گرانی، بیکاری، فقر، گرسنگی، کشتار جوانانی که به اعتراض علیه ستمگری‌های رژیم جبار و جنایتکار اسلامی برخاسته‌اند، تنها مصائبی نیستند که ما مردم ایران با آن‌ها روبه‌رو هستیم. هر روزی که در این کشور فلاکت‌زده می‌گذرد، فاجعه دیگری رخ می‌دهد.

نظام ستمگر حاکم بر ایران، از طبیعت نیز فاجعه‌ای برای مردم ایران ساخته است. زمستان فرارسیده و هوا سرد است، اما مردم ایران از امکانات گرم کردن خانه و محل کار و زندگی خود محروم شده‌اند. باید از سرما عذاب بکشند و جان بدهند. چرا؟ چون در این کشور یک‌مشت استثمارگر، دزد و غارتگر حاکم‌اند که فقط در فکر پر کردن بی‌پایان جیب‌های خود هستند و مطلقاً در فکر تأمین وسایل معاش و رفاه ما مردم نیستند. باران هم که بیبارد برای ما فاجعه است، برف بیبارد فاجعه است. هوای گرم و سرد هم در این کشور تبدیل به فاجعه برای مردم می‌شود.

وزیر نفت جمهوری اسلامی در پائیز امسال خطاب به اروپائیان گفته بود، اروپا، زمستان سختی در پیش خواهد داشت، مگر آن‌که جمهوری اسلامی با صدور گاز به نجات آن‌ها بشتابد. زمستان سخت فرارسید، اما نه برای اروپا و کشورهای دیگر جهان، بلکه فقط برای یک کشور، برای ایران و مردمش که دارنده دومین ذخایر بزرگ گازی در جهانند. اما مردم حتی از داشتن گاز برای گرم کردن یک اتاق نیز محروم‌اند. در این چند روز، ادارات، مدارس، دانشگاه‌های شهرهای مختلف پی‌درپی تعطیل شده‌اند. چرا؟ چون امکان گرم کردن آن‌ها در کشوری که بر روی دریایی از نفت و گاز قرار گرفته، وجود ندارد. گاز در بسیاری از مناطق ایران قطع شده و وضعیت در خراسان وخیم‌تر از دیگر استان‌های کشور است. مردم در بسیاری از شهرها کپسول و گالن به دست در سرمای وحشتناک در صف‌های طولانی ایستاده‌اند تا شاید کمی نفت و گاز به دست آورند. منقل و زغال به همراه مسمومیت ناشی از گاز مونوکسید کربن به خانه‌ها بازگشته است. در شهرهای مختلف ایران، تعداد این مسموم شدگان در حال افزایش است. در برخی شهرها نظیر تربت‌جام، گاز مناطق فقیرنشین و حاشیه شهر به‌کلی قطع شده است. به گزارش خبرگزاری‌های دولتی "با قطع گاز ۲۵ هزار مشترک در تربت‌جام، مردم این منطقه ساعات سختی را سپری می‌کنند" یک کارگر می‌گوید: "۷۵۰ هزار تومان کپسول، هیتر برقی ۶۰۰ هزار تومان وقتی کارخانه خوابیده کارگر از کجا ۶۰۰ هزار تومان بدهد. بیکسکینیک دانه‌ای ۱۰۰ هزار تومان این چه قانونیه". تحمل دیگر ممکن نیست مردم تربت‌جام پس از چند روز تحمل سرما و بی‌تفاوتی دولتیان، روز دوشنبه به خیابان‌ها ریختند تا علیه مرتجعین حاکم بر ایران که پس از گذشت چهار دهه نتوانسته‌اند حتی گاز منازل مردم را در سرمای سخت زمستان تأمین کنند، اعتراض کنند. راه درست، همین است. منفعل ماندن و تحمل سرما، گرانی، بیکاری، فقر و گرسنگی چاره‌ساز نیست. همه مردم ایران باید به یک مبارزه مرگ و زندگی برخیزند و این رژیم ارتجاعی اسلام‌گرای تبهکار، وحشی و جنایتکار را سرنگون کنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) بار دیگر خطاب به مردم ایران می‌گوید: راه نجاتی برای ما مردم ایران جز انقلاب و قیام عمومی برای سرنگونی نظم ارتجاعی حاکم وجود ندارد. هر روزی که این رژیم بر ایران حاکم باشد، مصائب و بدبختی‌های جدیدی به بار خواهد آورد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی
زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
۲۶ دی ماه ۱۴۰۱

کار نان آزادی- حکومت شورایی

بحران کمبود گاز در ایران

درآمد ارزی ادامه می‌دهد. مقامات دولتی البته ادعا کرده‌اند که این صادرات کاهش یافته اما قطع نشده است.

مدیر دیسپچینگ شرکت ملی گاز ایران قبلاً گفته بود: "به کشورهای عراق، ترکیه، آذربایجان و ارمنستان صادرات گاز داریم. زمانی که در کشور به گاز نیاز داریم صادرات را کاهش می‌دهیم اما اگر این میزان صادرات را از یک حدی بیشتر کاهش دهیم علاوه بر بحث مالی، عواقب دیگری دارد که باعث می‌شود ما به‌عنوان یک تأمین‌کننده مطمئن گاز شناخته نشویم." طبق برآوردها جمهوری اسلامی سالانه بیش از ۴ میلیارد دلار از فروش گاز کسب می‌کند.

اما آیا جمهوری اسلامی راه‌حلی برای این بحران دارد؟ وزیر نفت به روال سال‌های گذشته وعده بهبود را در سال آینده داده است. وی روز سه‌شنبه هفته گذشته در گفت‌وگویی تلویزیونی مدعی شد «با تدابیری که دولت اندیشیده در سال آتی شاهد این اتفاقات نخواهیم بود». وزیر نفت پیش از او نیز از این وعده‌های توخالی دادند و به جانی نرسید. همین وزیر نفت قبلاً ادعا کرده بود که اروپا، زمستان سختی در پیش خواهد داشت، مگر آن‌که جمهوری اسلامی با صدور گاز به نجات آن بشتابد. رئیس او، خامنه‌ای هم ده سال پیش چنین ادعایی داشت. اکنون اما متخصصین رژیم اعلام کرده‌اند تا بیست سال دیگر معضل تأمین گاز موردنیاز داخلی کشور حل نخواهد شد.

جمهوری اسلامی راه‌حلی برای بحران گاز ندارد، همان‌گونه که در برابر ده‌ها بحران دیگر ندارد. بلکه برعکس، با گذشت هر سال وضع وخیم‌تر شده و مادام که این رژیم به حیات خود ادامه دهد، باز هم وخیم‌تر خواهد شد.

ایرنا خبرگزاری رسمی دولتی اخیراً یک

در صفحه ۹

مازوت استفاده می‌کند، صنعت برق است که در این چند روز استفاده از مازوت در آن افزایش یافته است. هفته گذشته بود که سخنگوی صنعت برق گفت:

"گاز تحویلی به نیروگاه‌ها نسبت به دو هفته قبل کاهش داشته است، در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد از سوخت نیروگاه‌ها را از طریق سوخت مایع نفت‌گر و نفت‌گر تأمین و مابقی توسط سوخت گاز تأمین می‌شود. در شرایط فعلی که سوخت گاز در بخش خانگی و تجاری افزایش فراوان پیدا کرده ناگزیر باید از سوخت دوم استفاده کنیم.

وی در ادامه درباره وضعیت صادرات و واردات برق گفت: در حال حاضر میزان واردات نسبت به سال گذشته در همین زمان حدود ۲۰ درصد بیشتر است و همچنین صادرات کاهش قابل‌ملاحظه‌ای پیدا کرده است." یعنی وضعیت برق هم بحرانی است. از همین روست که بحران گاز به قطعی برق در برخی مناطق منجر شده است.

کاهش دما، همچنان ادامه دارد. رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا اعلام کرد در پنج روز آینده در غالب مناطق کشور هوای سرد، ماندگار خواهد بود. سازمان هواشناسی کشور نیز نسبت به افزایش آلودگی هوای ۹ کلان‌شهر به‌ویژه تهران و کرج و کاهش دما تا ۸ درجه سانتی‌گراد هشدار داد.

اما درحالی‌که مردم ایران همچنان در شرایطی به سر می‌برند که دمای هوای سرد در برخی شهرها گاه به‌منه‌ای ۲۷ درجه رسیده، جمهوری اسلامی نهنها هیچ مشکلی را از مردم حل نکرد و نمی‌تواند حل کند، بلکه در ببحوحه این وضعیت همچنان به فروش گاز به برخی کشورها برای کسب

بلوچستان است.

در بسیاری از شهرهای استان‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی، گلستان و مازندران نیز وضع بر همین منوال است. در برخی شهرها، جایگاه‌های سوخت به دلیل نبود سوخت تعطیل شده‌اند.

این بحران تبعات وخیمی برای مردم ایران داشته است. نخستین آن محرومیت مردم به‌ویژه فقیرترین شهرها از داشتن حداقل امکانات گرمایشی، حتی برای گرم کردن یک اتاق برای حفظ جان کودکان کم سن و سال است. این بحران، گروه‌هایی از مردم را در نتیجه این سرما روانه بیمارستان‌ها کرده است. استفاده‌ها از برخی وسایل گرمایشی پرخطر و قطع و وصل گاز باعث گردید که گروه‌هایی از مردم به علت مسمومیت ناشی از گاز دی‌اکسید کربن روانه بیمارستان‌ها شوند. در اردبیل عموم دانش‌آموزان لاقفل یک مدرسه در نتیجه مسمومیت روانه چندین بیمارستان شدند.

مدیرکل آموزش و پرورش اردبیل در گفتگو با ایلنا در مورد مسموم شدن کودکان مدارس، ادعا کرد ما هیچ بخاری غیراستاندارد یا گازی در مدارس استان نداریم و جز ۵۰ مدرسه، سایر مدارس از بخاری‌های گازی استفاده نمی‌کنند.

وی اما مسمومیت دانش‌آموزان مدرسه فرزنانگان را پذیرفت و توضیح داد: عده‌ای از دانش‌آموزان را به بیمارستان‌ها انتقال دادند.

اما معضل فقط به این مورد محدود نیست. در بسیاری از مناطق فقیر و عقب‌مانده کشور، مردم از چوب و زغال و منقل برای گرم کردن اتاق خود استفاده می‌کنند. در این مناطق تعداد مسموم شده‌ها بیشتر بوده است. در همین حال گزارش‌هایی از خفگی ناشی از قطع و وصل گاز به‌ویژه در شب‌ها که مردم در خواب بوده‌اند، انتشار یافته است. مسئله مهم‌تر اما این است که بسیاری از واحدهای تولیدی هم‌اکنون به‌جای گاز از مازوت استفاده می‌کنند که یکی از سرمنشاهای مهم آلودگی هوا و بیماری‌های کشنده ریوی و قلبی است.

مازوت، سوخت آلوده‌کننده و ارزان‌قیمتی است که استفاده از آن در بسیاری از صنایع ایران متداول است. این سوخت ارزان است و استفاده از آن باعث می‌گردد که سرمایه‌دار هزینه تولید را کاهش دهد و سود بیشتری به جیب بزند. این‌که این سوخت باعث چنان آلودگی هوا می‌شود که در هر سال به مرگ ده‌ها هزار تن از مردم ایران منجر می‌شود، اصلاً برای سرمایه‌داران و دولت آن‌ها مهم نیست. تنها یک مورد از این صنایع که از



رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب

عمومی سیاسی و قیام

مسلحانه بر انداخت.



کار - نان - آزادی

حکومت شورائی

بحران کمبود گاز در ایران

گزارش پژوهشی را انتشار داد که در آن آمده است: یک عضو هیئت‌مدیره شرکت ملی گاز گفته است: «بر اساس برنامه ششم توسعه اقتصادی، ضریب بازیافت مخازن کشور باید از ۲۸/۵۷ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۲۹/۵۷ درصد در انتهای برنامه ششم می‌رسید. هرچند این رقم نهایتاً محقق نشد بلکه ۴ درصد هم افت کرد.»

در جمع‌بندی این گزارش نیز نتیجه‌گیری شده است: «به گفته «احمد زراعت کار» رئیس دفتر انرژی سازمان برنامه‌بودجه، کشور حداقل تا ۲۰ سال دیگر درگیر بحران کمبود گاز خواهد بود. این در حالی است که اگر بخواهیم وضعیت نا ترازای تشدید نشود و توان تولید به میزان فعلی باقی بماند نیازمند سرمایه‌گذاری عظیمی در صنعت گاز هستیم...»

اواخر آذرماه بود که «رضا پدیدار» رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران به روزنامه «شرق» گفت میادین گازی ایران در کوتاه‌مدت به حدود ۵۰ میلیارد دلار، در میان‌مدت ۹۰ تا ۱۲۰ میلیارد دلار و در بلندمدت به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد تا بتواند ظرفیت فعلی تولید خود را حفظ کند و گرنه میزان تولید از حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب فعلی هم کمتر می‌شود؛ اعداد و ارقامی نزدیک به برآوردهایی که در مقاطع مختلف سکنداری «جواد اوجی» در وزارت نفت در خصوص حیاتی بودن تزریق سرمایه به اقتصاد انرژی کشور بیان شده است.»

بنابراین، بر طبق تحلیل‌ها و آمار و ارقام متخصصین دولتی نیز، مدام وضع بدتر شده و اگر بخواهند با وخامت بیشتر این بحران مقابله کنند، باید در کوتاه‌مدت ۵۰ میلیارد و در بلندمدت تا ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنند. روشن است که این کار از عهده جمهوری اسلامی ساخته نیست. نه خودش یک چنین توان مالی دارد و نه قدرت جذب سرمایه خارجی و فناوری‌های جدید، به‌ویژه در شرایط عمیقاً بحرانی موجود که سرنوشت فردای جمهوری اسلامی برای سرمایه‌گذاران خارجی روشن نیست.

جمهوری اسلامی نهایتاً قادر به تأمین چنین مبالغ کلانی برای غلبه بر معضل کمبود گاز نیست، بلکه حتی در تأمین بودجه سالانه خود هم با کسری‌های هنگفت ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی روبه‌روست و با فروش اموال دولتی متعلق به مردم و اوراق قرضه می‌کوشد بخشی از این کسری‌ها را جبران کند. نه‌فقط مسئله گاز با چنین وضعیتی روبه‌روست، بلکه در بسیاری از عرصه‌های دیگر هم وضع بر همین منوال

است. تولید و تأمین نیازهای مهم مردم و ایجاد تأسیسات زیر بنایی اساسی که هیچ، جمهوری اسلامی حتی در اجرای بسیاری از همین برنامه‌های به‌اصطلاح عمرانی معمولی نیز مانده است.

سخنگوی کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی اخیراً گفت: «دولت در لایحه بودجه سال آتی ۳۲۷ هزار و ۹۲۰ میلیارد تومان برای پروژه‌های عمرانی در نظر گرفته که حدود ۲۶ درصد رشد را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد. هرچند با افزایش قیمت‌ها این میزان بودجه هم چندان گره‌گشای پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام نخواهد بود. وی افزود: «در حال حاضر کشور با انبوهی از پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام روبرو بوده که برای تکمیل آن‌ها به حداقل ۷۰۰ هزار میلیارد تومان نیاز دارد که این رقم هر سال با افزایش هزینه‌ها رشد قابل‌توجهی خواهد کرد.»

در همین رابطه به گزارش تجارت‌نیوز، «در سال‌های اخیر کاهش شدید درآمدهای دولت در زمینه‌های مختلف امکان تزریق بودجه‌های کلان عمرانی را سلب کرده است. در برخی موارد نیز همان بودجه تخصیص داده‌شده به سایر بخش‌ها انتقال داده‌شده و پروژه‌های عمرانی در کشور یا عملاً آغاز نشده و یا نیمه‌کاره رها شده است.

طبق داده‌های مرکز پژوهش‌های اتاق ایران همچنین اکنون بیش از ۶ هزار طرح و پروژه ملی و بیش از ۸۰ هزار پروژه استانی نیمه‌تمام وجود دارد که حتی در صورت عدم اجرای هرگونه پروژه جدید با روند فعلی تأمین اعتبار از سوی دولت ۲۰ سال دیگر نیز به تکمیل و بهره‌برداری نخواهد رسید.»

برای جمهوری اسلامی آنچه اولویت دارد، حفظ موجودیت خود با اتکا به دستگاه سرکوب و تحمیق، استثمار کارگران، چپاول و غارت کشور توسط طبقه حاکم است.

نیازهای معیشتی و رفاهی مردم اصلاً مطرح نیست. از همین روست که در بودجه سال آینده درحالی‌که همین بودجه عمرانی که ظاهراً قرار است اندکی هم که شده به نفع مردم باشد، تنها ۲۶ درصد افزایش یافته، اما هزینه‌های دستگاه نظامی سرکوب و امنیتی به همراه نهادهای مذهبی و تبلیغاتی تحمیق، جهش‌وار افزایش یافته است. بر طبق گزارش خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران، در لایحه بودجه سال آینده، فصل مربوط به دفاع ۴۷ درصد، فصل حفظ نظم و امنیت عمومی ۵۴ درصد، فصل تحقیق و توسعه در امور دفاعی و امنیتی ۲۸ درصد افزایش یافته است. این خبرگزاری می‌نویسد: «علاوه بر آنکه بودجه کلی در حوزه دفاعی-امنیتی برای سال ۱۴۰۲ با افزایش روبرو بوده است، بودجه سازمان‌های نیروهای مسلح نیز با افزایش قابل‌توجهی برای سال آینده پیش‌بینی شده است. «بر طبق این ارقام، بودجه سال آینده سپاه پاسداران ۴۳ درصد، ارتش ۲۵ درصد، پلیس ۴۴ درصد، افزایش یافته است. بر همین منوال، بودجه وزارت اطلاعات ۵۲ درصد، بودجه سازمان صداوسیما ۴۲ درصد، بودجه سازمان تبلیغات اسلامی ۵۳ درصد، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر ۳۳ درصد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم بیش از ۵۴ درصد و... افزایش یافته است.

با این اوصاف روشن است که اگر پولی هم باشد، صرف هزینه‌های دستگاه انگل دولتی می‌شود. بحران کمبود گاز نیز همانند ده‌ها بحران دیگر، به‌عنوان جزئی جدائی‌ناپذیر از موجودیت نظم سرمایه‌داری و جمهوری اسلامی در ایران لاینحل باقی خواهد ماند. هیچ راه‌حلی برای بحران‌های متعدد موجود و از جمله همین بحران کمبود گاز در چهارچوب نظم کنونی وجود ندارد. تنها راهی که در مقابل مردم قرار دارد، برپائی یک انقلاب و سرنوشتی نظمی است که جز بحران و انواع مصائب اجتماعی، نتیجه‌ای برای مردم ایران نداشته و نخواهد داشت.



بحران کمبود گاز در ایران

تولیدی و صنایع بزرگ از جمله صنایع فولاد، پتروشیمی، سیمان و نیروگاه‌ها را کاهش داد تا شاید بتواند مصارف خانگی را پوشش دهد، اما کافی نبود. ادارات، مدارس، دانشگاه‌های شهرهای مختلف یکی پس از دیگری به‌نوبت تعطیل اعلام شدند و یا مصرف گاز را کاهش دادند، اما باز هم بحران را حل نکرد. در بسیاری از شهرها و مناطق کشور، گاز، چندین ساعت و گاه به‌کلی قطع شده است. این معضل در مناطق مرزی شدیدتر بروز کرده است. مردم در بسیاری از شهرها کپسول و گالن به دست در سرمای شدید در صف‌های طولانی ایستادند تا شاید کمی نفت و گاز به دست آورند. در تربت‌جام که گاز ۲۵ هزار مشترک به‌کلی قطع

شد و ده‌ها هزار تن در سرمای وحشتناک جانشان به لب رسید، اعتراض مردم به خیابان‌ها کشید. در بلوچستان حتی نفت سفید و گاز مایع نایاب شده و به‌ویژه در روستاها، مردم با هیزم و فضولات حیوانی اتاق خود را گرم می‌کنند. خیرگزاری ایسنا در روز چهارشنبه، ۲۸ دی‌ماه، گزارش کرد: مردم خاش در استان سیستان و بلوچستان در شرایط دشوار یخبندان با مشکلات انبوه سوختی و بی‌نفتی و نبود یا کمبود و گرانی گاز و قبوض نجومی برق مواجه شده‌اند. قیمت لوازم و تجهیزات گرمایشی مانند چراغ و اجاق‌برقی جهش شدیدی داشته و یکی از مشکلات توزیع نفت و گاز در استان سیستان و

در صفحه ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1005 January 2023



تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دمکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دمکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به‌وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به‌وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:
فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲
مشخصات جدید تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: tvshorashora@gmail.com

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی